

دوفصلنامه مطالعات تطبیقی تاریخ و فرهنگ اسلامی

سال سوم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۳

سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اچمیادزین بر اساس اسناد ماشتوس مقدس (ماتناداران)

عباس اقبال مهران^۱، محمد رضا علم^۲، آرسن آواکیان^۳

چکیده

اچمیادزین در جایگاه یک نهاد دینی مسیحیت، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و هم‌چنین واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارامنه بود. بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت مسلمان قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی خود به ویژه ارامنه بوده است؛ به طوری که در باب عدم اجبار ارامنه به تغییر کیش ارامنه به اسلام توسط مسلمانان و عدم تعرض به آیین و مناسک مذهبی آنها فرامین مهمی صادر کردند. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اچمیادزین بر اساس اسناد ماشتوس مقدس (ماتناداران) بر پایه اسناد موجود در آرشیو ارامنه در ایران و ارمنستان بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اچمیادزین بر اساس یک همزیستی پایدار و عدم مناقشات مذهبی بود.

واژگان کلیدی: سیاست‌های مذهبی، دولت شیعی، قاجار، ارامنه مسیحی، اسناد، ماتناداران

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)
abass.em1987@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، alam@scu.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان، a.avagyan@mfa.am

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ . تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

درآمد

ایران سرزمین ادیان و آیین‌های بزرگ است و نگرش توحیدی اسلام امکان استمرار حیات پیروان ادیان آسمانی دیگر را در ایران ممکن کرده است؛ رفتار ناپسند با پیروان ادیان دیگر در اخلاق و قوانین اسلامی مورد توجه و نکوهش قرار گرفته است. برخوردهای ناشایست ریشه در کج فهمی از اسلام و تعصبات بی پایه و سیاست‌های غلط داخلی و دخالت‌های بیگانگان داشته است. روابط میان ایران و ارمنستان از منظر تاریخی یکی از مهم‌ترین روابط میان مردم دو کشور در منطقه تاریخی خاورمیانه بوده است. سابقه ارتباطات و تعاملات این دو کشور به حدود سه تا چهار هزار سال پیش می‌رسد و از این منظر تاریخ ارمنستان را بدون در نظر گرفتن روابط با تاریخ ایران مورد بررسی قرار داد. علی‌رغم تاریخ پرفرازونشیب مردم ارمنی، آنچه مورد توافق همه ارمنه بوده و به نوعی اتحاد آنها را حفظ کرده و مانع از هم‌پاشیدگی آنها شده، نهاد دینی به نام مسیحیت است. نهاد دینی مسیحیت یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه‌ای جهت امور فی مابین دولت قاجار و ارمنه توانست ضمن دارا بودن اعتماد از سوی طرفین در طول دوره قاجار همواره در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارمنه نقشی مهم و کلیدی ایفا نماید. اسناد و مکاتبات زیادی در دوره قاجار تحریر و تدوین شده است. فرامین اسناد گنجینه ماتناداران در باب چگونگی اداره اقلیت ارمنه در ایران توسط شاهان قاجار صادر شده‌اند که ابعاد مختلف زندگی ایشان را شامل می‌شود و جهت‌گیری حکومت قاجار در ابعاد مختلف ارمنه را نشان می‌دهد؛ همچنین پاسخ‌ها و واکنش‌ها توسط خلفای اوچ کلیسا به فرامین صادر شده نشان از عمق روابط فی مابین بوده است. بدون تردید، مطالعه این فرامین و اسناد برای ارائه تصویر کامل‌تر و دقیق‌تر روح سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه عصر قاجار در مورد ارمنه لازم و ضروری است. مضاف بر اینکه رصد کردن سیاست مذهبی حکومت قاجار در باب اتباع غیرمسلمان، شفاف‌تر خواهد شد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های پرشماری درباره روابط ارامنه با دولت قاجار به نگارش درآمده است، اما در مورد سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اچمیادزین بر اساس اسناد ماشتوس مقدس (ماتناداران)، به صورت تحلیلی، اثری مستقل به نگارش درنیامده است؛ فقط یک کتاب مستقل با عنوان فرامین فارسی ماتناداران که توسط ژوستینیان به صورت بازخوانی آن فرامین بوده است، نوشته شده است و پژوهش‌های موردی محدودی در مورد نقش این نهاد دینی انجام گرفته است. در زمینه تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارمنستان در قرون وسطی، اسناد فارسی بایگانی مخزن کتب خطی «ماتناداران» ایروان اطلاعات بسیار ارزشمندی را ارائه می‌دهند که شامل وقایع قرن‌های پانزدهم تا نوزدهم است. نخستین تلاش‌ها در جهت بررسی علمی این اسناد توسط جاثلیق سیمئون پروانتسی (۱۷۸۰-۱۷۶۳) صورت گرفته و نتایج آنها در یکی از تألیفات او به نام «جامبر» آورده شده است. مهم‌ترین آنها با برگردان ارمنی و روسی، همراه با متن اصلی اسناد به همت هاکوپ پایازیان در دو جلد با مقدمه و شرح و حواشی مفصل در سال ۱۹۶۸ در ایروان چاپ و منتشر گردیده است.

بعدها این اسناد در مخزن کتب خطی کلیسای اچمیادزین گردآوری شدند و سپس به مخزن کتب خطی مسروپ ماشتوتس ماتناداران انتقال داده شدند. اچ پایازیان (۱۹۵۶) کتاب متن فرامین فارسی ماتناداران تألیف در دو جلد با مقدمه و شرح و حواشی مفصل است. مجموعه اسناد فارسی ماتناداران به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند: ۱- فرامین و احکام شاهان، خان‌ها، امرای محلی و احکام رهبران دینی مسلمان؛ ۲- صورت جلسات دیوانی مقامات حکومتی ایرانی که عمدتاً در زمینه فروش، وقف و اجاره املاک و دیگر دارایی‌هاست و ۳- دعاوی اشخاص در زمینه مسائل ارثی و اختلافات بین جوامع روستایی بر سر عرصه روستاها و حقاچه‌ها. فاطمه اورجی (۱۴۰۰) مناسبات عباس میرزا با کلیسای اجمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش اروجی تلاش شده است تا ارتباط شاهزاده عباس میرزا با ارامنیان و به خصوص اجمیادزین بررسی شود تا به تلاش ایران

برای حفظ این تعاملات و همچنین به حفظ حاکمیت تاریخی آن سرزمین و نقش اقدامات نخبگان اجمیادزین در روند جدایی ایروان از ایران و پیوستن آن به روسیه اشاره شده است. هوسپیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تاریخ شهر اجمیادزین» اشاره کرده است که در دوره‌های مختلف از کل منطقه نقشه‌های جغرافیایی تهیه شده است. در این نقشه‌ها، موقعیت ارمنستان را نیز مشخص و نام شهرهای مهم فلات ارمنستان ذکر شده است؛ اما از سده هفدهم میلادی به بعد نام واقار شاباد بر اساس دیری که در آن قرار گرفته به صورت اجمیادزین ذکر شده است. در نقشه‌های موجود به زبان‌های ارمنی، انگلیسی، روسی، ایتالیایی و عربی از واقار شاباد در دو جا به صورت اوچ کلیسا، دو جا به صورت اکیبازین و در دیگر نقشه‌ها به صورت اجمیادزین نام برده‌اند. سرگئی میناسیان (۱۳۸۰) در مقاله با عنوان «نقش ارامنه در ارتش ایران» در منابع تاریخی اشاره کرده است که در ایران اسلامی، برخلاف ترکیه اسلامی، ارامنه نه تنها حق حمل اسلحه را داشتند، بلکه در ارتش ایران دارای واحدهای نظامی جداگانه‌ای بوده‌اند. این پژوهش قصد دارد با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اجمیادزین بر اساس اسناد ماشتوس مقدس (ماتناداران)، به سؤالات زیر در این زمینه پاسخ دهد: ۱. سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اجمیادزین چه بود؟ ۲. اجمیادزین در روند مناسبات مذهبی میان دولت شیعی قاجار با ارامنه مسیحی تابع اجمیادزین چه نقشی داشت؟ با توجه به پیشینه ذکرشده و به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، این فرضیه‌ها به آزمون گذاشته شده است: ۱. سیاست‌های مذهبی دولت شیعی قاجار در مواجهه با ارامنه مسیحی تابع اجمیادزین بر اساس یک همزیستی پایدار و عدم مناقشات مذهبی بود. ۲. اجمیادزین در جایگاه یک نهاد دینی مسیحیت، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی مابین دولت شیعی قاجار و ارامنه بود.

تبارشناسی اچمیادزین

«اچمیادزین»، «اوج کلیسا» در جایگاه یک نهاد دینی مسیحیت، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنان واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارامنه بود. این کلیسا ضمن دارا بودن اعتماد از سوی طرفین در طول دوره زمامداری آقا محمدخان و فتحعلی شاه قاجار در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارامنه و آزادی مذهبی آنها نقش مهم و کلیدی داشت. دیر اچمیادزین^۱ که به مثابه رم ارمنیان است، در هجده ورستی ایروان، در مجاورت واگارشاپات^۲ واقع شده است. واگارشاپات در حال حاضر دهکده بزرگی بیش نیست، ولی در گذشته پایتخت ارمنستان بوده است. البته غیر از آن، ارمنستان دوازده کرسی دیگر نیز داشت. در همین زمینی که امروز به نام واگارشاپات نامیده می‌شود، در زمان سابق آرغانت - کاغاک^۳ شهر آرتیمیس^۴ یا «ونوس ارمنیان واقع شده بود» (اورسول، ۱۳۸۲: ۱۱۷). اهمیت این بنای مذهبی برای شاهان قاجار به حدی بود که شخصاً برای بازدید و دلجویی از خلیفه ارامنه به آنجا می‌رفتند. «شاه می‌خواست که از خلیفه بزرگ اچمیادزین که در حکم پاپ ارامنه است دیدن کند» (فوریه، ۱۳۸۵: ۴۱). در باب عنوان اوج کلیسا یا اچمیادزین نظرات مختلفی وجود دارد. «اوج، در ترکی به معنای سه؛ اوج کلیسا یعنی سه کلیسا؛ نام محلی است در دو فرسخی ایروان که سه کلیسا در کنار هم قرار دارند و نزد ارامنه از اماکن متبرکه است و گویند زمانی حضرت مسیح (ع) بر یکی از پیشوایان ظاهر شده است. از بین این سه کلیسا که تقریباً در کنار هم قرار دارند، وسطی از همه بزرگ‌تر و سقف و دیوارش همه از سنگ ساخته شده است (گنج دانش، ص ۱۱۱۲). مادام دیولافوا در سفرنامه کلدیه و شوش خود شرح مبسوطی در مورد این مکان نگاشته است» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۰). اوج کلیسا توسط گریگور مقدس بنا نهاده شده است. «بخش مرکزی ارمنستان در غرب ایروان در درّه رود ارس قرار دارد. این شهر

1. Etchmiadzin

2. Vagar Shabad

3. Arganet-Kaghak

4. Artemise

از ۱۸۴ تا ۳۴۴ م. پایتخت ارمنستان بوده است که در سال ۳۰۲ م. به وسیله گریگوری مقدس تأسیس شد. به دلیل اینکه سه کلیسا در نزدیکی یکدیگر قرار دارند به اوچ کلیسا (سه کلیسا) معروف شده‌اند» (نوری، ۱۳۸۶: ۴۹۰). دو دلیل برای نام‌گذاری اچمیادزین روایت شده است که یک روایت دینی است که اچمیادزین را که به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» می‌داند. اچمیادزین را که به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» جاده‌ای که از ایروان به اچمیادزین می‌رود، از روی رود زانگا و حومه شهری می‌گذرد و خانه‌ها در میان باغ‌هایی بزرگ با دیوارهای گلی محصور شده و از انظار عمومی مخفی است (اورسول، ۱۳۸۲: ۱۱۸). روایت دیگری ریشه‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای را بیان می‌کند. «دو کلیسای نزدیک اکس میازین یکی سنت کثآن و دیگر سنت رپسیم^۱ نام دارند و به اسم دو دوشیزه رمی که در نهمین دوره اعمال شکنجه‌های مذهبی به ارمنستان گریخته‌اند، نامیده شده‌اند. این دو قدیسه سرانجام در همانجا که کلیساهای نامبرده ساخته شده شهید شده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۱۰). عنوان اچمیادزین به صورت‌های مختلف نوشته است و در منابع مختلف با عناوین مختلف نگارش شده است. در جایی به صورت «شمیازین» نوشته و عنوان گردیده است. (وزارت امور خارجه، امروز وزارت جنگ را باخبر کرد که شیخ عبدالقادر پسر شیخ عبیدالله، خانواده خود را راهی «شمیازین» [اچمیادزین] کرده، به آن نقطه رسیده‌اند. خودش نیز قرار است وارد شود. غیر از این ۶۰۰ نفر قشون عثمانی به شمیازین و اطراف آمده از رواندوز هم قشون انگلیس به طرف آنجا حرکت کرده» است) (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲۱۷)؛ همچنین با عنوان «اوچ میآدزین» نیز بیان شده است. [اوچ ک لی سا] (اسم خاص)، نام کلیسای معروفی است به ایروان که در ۲۷۸ ورستی تفلیس قرار دارد (از جغرافیای قفقاز، نسخه خطی کتابخانه ملی، به شماره ۲). این کلیسا را «اوچ میآدزین» نیز می‌نامند؛ اما ترک‌ها هنگام اطلاق به «اچمیادزین» از عنوان «اوچ کلیسا» استفاده می‌کردند. «ایروان صد و پنجاه میل آلمانی با تبریز فاصله دارد. شهری است بسیار مستحکم که در سرزمینی دلکش و حاصلخیز واقع شده است. در فاصله سه

۱. اسقف کومیتاس (Comitas) کلیسای سنت رپسیم را در سال ۶۱۸ بنا و اسقف فیلیپوس در سال ۱۶۵۳ آن را ترمیم کرد و جلوخان سرپوشیده‌ای بر آن افزود.

مایلی از آنجا سه کلیسا هست که چندین قرن عمر دارند. دو تا از آنها نیمه ویران هستند و سومی که از همه مهم‌تر است و ترک‌ها آن را اوچ کلیسا^۱ می‌نامند در وضع خوبی است» (تکتاندرفون در یابل، ۱۳۵۱: ۶۳).

دلیل آنکه ترک‌ها به اچمیادزین عنوان اوچ کلیسا را نهادند وجود سه دیر در نزدیکی هم به طوری که به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دو کلیسا است که با کلیسای دیر از دور منظره‌ای بسیار زیبا را متصور می‌نماید. «اچمیادزین (Echmiadzin) واگارشاپات (Vagarapat) در قسمت مرکزی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان، غرب ایروان، در دره رود ارس است و در قرن ششم قبل از میلاد وجود داشته است. در ۱۸۴ بعد از میلاد تا ۳۴۴ پایتخت ارمنستان بود. کلیسای معروف آرامنه در این منطقه حدود ۳۰۲ بعد از میلاد توسط قدیس گرگوریوس تأسیس گردید و دارای کتابخانه گران‌بهایی از ادبیات ارمنی است. داخل دیر کلیسا مزین به نقوش برجسته ایرانی است. در این دیر هفت سال یک بار روغن مقدسی که در عموم کلیساهای آرامنه به کار می‌رود تهیه می‌شود. به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دو کلیسا است که با کلیسای دیر از دور منظره جالبی دارد و نام اوچ کلیسا (uckelisa) (ترکی سه کلیسا) که ترکان بر دیر اچمیادزین نهاده‌اند از همین جا ناشی است. در سال ۱۲۱۹ ق جنگی بین عباس میرزا ولیعهد و سیسیانوف روی داد که به جنگ اچمیادزین معروف شد» (فراهانی، ۱۳۸۵: ۵۲۲). در جایی با عنوان «اکس میازین» به معنی جسیم و ستمبر عنوان گردیده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۰۷). آرامنه آن را اچمیازین^۲ یعنی «یگانه پسر» گویند. به عقیده ایشان این کلیسا در سال ۳۰۰ میلادی بنا گردیده است. در بین عوام معروف است که هنگام بنای کلیسا وقتی که بلندی دیوارهای آن به قد انسان می‌رسید، شبانه شیطان آنها را فرو می‌ریخت و کارگران مجبور می‌شدند دوباره آنها را بسازند. این عمل چند بار تکرار شد تا شبی حضرت مسیح بر آنها ظاهر شد و شخصاً دیوار مراقبت کرد تا شیطان دست از تخریب برداشت و

۱. این محل اچمیادزین، در نزدیکی ایروان است و ترک‌ها آن را «اوچ کلیسا» می‌نامیدند. در آذربایجان ایران در نزدیکی «جلفا» نیز یک مرکز مذهبی ارمنی هست که «اوچ کلیسا» نام دارد و نباید با اچمیادزین که نویسنده در متن از آن یاد کرده اشتباه شود - مترجم.

بنای کلیسا بالا آمد و پایان یافت. این کلیسا را سن ژورژ نام نهادند، زیرا سن ژورژ در پیش ارامنه احترام بسیار دارد. در میان ارامنه «اچمیادزین» با عنوان «اشت زمیازی» نیز معروف و متداول بوده است. «در ده فرسخی ایروان به جانب «تفلیس» دریاچه شیرین واقع است که سرچشمه رودخانه «زنگی چای» بدانجا می‌باشد. در این دریاچه ماهی قزل‌آلا به بزرگی یک ذرع دیده شده است در وسط این دریاچه جزیره‌ای است که در آن جزیره کلیسایی متعلق بنهصد سال قبل وجود دارد. کلیسای معروف «اوج - کلیسیا» که ارامنه آن را «اشت زمیازی»^۲ می‌گویند بدو فرسخی ایروان است و طبق قول «شاردن» در جزء کتب موجود درین کلیسا کتابی است که می‌گوید نام قدیم شهر ایروان «واقارشاپاط» بوده: «واقار» اسم یکی از سلاطین ارمنی و «شاپاط» بزبان ارمنی به معنی شهر است»^۳.

در احکام فرامین شاهان قاجار تقدم عنوان «اچمیادزین» بر این معبد مورد تأکید قرار گرفته و عنوان «اوج کلیسا» را عنوان اخیری ذکر گردیده که بعدها به این معبد مقدس اطلاق گردیده است. در واقع عنوان «اچمیادزین» که در میان ارامنه رایج و متداول بوده است نیز مورد تأکید دولت قاجار بوده است و این نشان می‌دهد که عنوان اصلی معبد مقدس همان «اچمیادزین» است. «حکم والاشد آنکه خداوند دانا که بلندایوان خلافت مه‌راسای ذات مسیح مزین و گاه بفروغ تاج عرش فرسای صاحب معراج روشن داشته چون رواق خلافت آیین اوجاق کردون انطباق را که مورد فیوضات ابد و مدار شوکت مؤید سلطنت موبد است به نیابت و ولایت ما محکم نموده و احکام بهیه ما را تالی اوامر علیه پادشاهی لازالت نافذه در اقطار ممالک بسیطه نافذ و مسلم فرموده است با شکر این نعمت سانیع و منت سانع ثبت نیت علیا کرده‌ایم که چنانکه عنایات پادشاهی آفتاب وار جود فیاض و حمایت سانع بر همگان شایع دارد، ما نیز پرتو آن نور و جلوه آن ظهور و تجلی ان طوریم باشاعه فیض عام و اشاعه لطف تمام قریب و بعید وضیع و شریف مسلم و ترسا را در حومه حمایت محمی و

1. Saint Georges

۲. «اچمیادزین کلیسیا»

۳. این شهر فعلاً پایتخت ارمنستان شوروی است.

محدور اوریم در مسجد و کلیسا که مقصود از هر دو یکی است عابد و ترسا طریق دعا پویند و در پنهان و پیدا که نظر حق بین هر دو یکی است زاهد و راهب رسم ثنا جویند علی هذہ المراتب رواج اوجاق و معبد ایجمیازین را که بعبارہ آخری اوج کلیسا گویند و از دیرگاه مقصد طوایف ارامنه سکنه هفت اقلیم می باشد» (ماتناداران، سند ۱: ۸۷).

دین و آیین ارامنه

یونانیان و اتیکه آنها (Eutyche ens) اولین کسانی بودند که به ارامنه احکام و مراسم مذهب مسیح را یاد دادند. این آموزگاران و مبلغان، تعالیم و مفاهیم دینی روح القدس را به روش مذهبی یونانیان، یعنی به سنت و طریقت از پدر به پسر - نه پدر و پسر به آنان آموختند. درباره دخول روح خدا در جسم مسیح ارامنه مثل اتیکه آنها بر این اعتقادند که حضرت مسیح دارای طبیعتی یگانه بوده است، بنابراین مردم ارمنستان پیرو معتقدات منوفیزیت‌ها^۱ هستند که در مشرق زمین یعقوبیه می خوانند؛ اما در این زمان، بسیاری از روی ناآگاهی و آسان‌گیری هرگز به عمق و حقیقت این مطالب توجه نمی‌کنند. ارامنه پیرو مسیح ارتدوکس هستند و آیین و شیوه دعاخوانی و به جا آوردن نمازشان چنان است که در قرن چهارم معمول بوده است و اندک تغییر و تبدلی در آن راه نیافته است. کلام خدا و زبور را به زبان خودشان می خوانند. هنگام اجرای مراسم تقدیس نان و شراب نیز همه افراد منسوب به کلیسا در آن شرکت می جویند و همگان اعم از راهبان و کشیشان حتی کودکان، نان ساده معمولی می خورند و از یک جام شراب می نوشند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۱۱).

ارامنه پیرو کلیسای گریگوریان بودند که مطابق تصمیم مجمع کالسدون^۲ از مسلک ارتدکس جدا شده بودند. ارامنه بیشتر در دهات «چخور سغد» اقامت داشتند، ولی عده زیادی از آنها در جلفای اصفهان و عده کمتری در همدان و سایر شهرها مقیم بودند (شاردن، ۱۳۷۲: ۳). مذهب ارامنه با آیین یونانی که در گرجستان رواج دارد، خیلی نزدیک است و به وسیله راهبان

1. Monophysite

2. Chalcedon

و کشیش‌های غیررسمی اداره می‌شود. راهبان دیرهای بسیار زیبایی دارند که وابسته به دیر اوچ میازین است. دیر اخیر که قبلاً درباره آن سخن گفته‌ام سابقاً شورای بالنسبه معروفی در رم داشته است. راهب این دیر خلیفه بزرگ ارامنه (پاتریارک) است که پس از پاپ صاحب بالاترین مقام می‌باشد (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۶). حکومت ارامنه با اسقف اعظم است که بدون وابستگی به طریق، با چهار کشیش مستقلاً کارهای مذهبی را اداره می‌کند. اتین سابق الذکر با استفاده از این استقلال، با پروویی، امور مذهبی ارامنه را از قبیل تعزیه، دعا، غسل تعمید، عروسی و... برای خود منبع درآمدی قرار داده و از این راه دست‌کم سالانه صد هزار اکو عایدی دارد. ارامنه غالباً یکی از دو زبان ترکی یا فارسی را خوب می‌دانند و بدان تکلم می‌کنند و هر دو لهجه محاوره و کتابت زبان ارمنی را هم خوب بلدند؛ چنانکه در فصول پیش اشاره شد ارامنه مصمم‌اند که میسیونرهای کارملی پاره‌نه را از جلفا بیرون کنند؛ اما هنوز تعدادی از ژرژیت‌ها و دومینیکن‌ها در آنجا ساکن هستند، اما شمارشان آن قدر اندک است که قادر به تشکیل صف دعا و نماز نیستند. از اطفال ارمنی هم آنها که تمایل به آیین کاتولیک نشان می‌دهند کم‌اند چه تا خبر تمایل به قبول تعلیم و تربیت کاتولیک ارمنی بچه‌ای به ورتابیه می‌رسد، فوراً پدر و مادر آن را تکفیر و از مجمع کلیسایی ارامنه طردشان می‌کند. اغلب اتفاق می‌افتد که ارامنه از ترس غضب و مؤاخذه سریع ورتابیه دست زن و بچه خود را می‌گیرند و از جلفا فرار می‌کنند (جملی کاری، ۱۳۴۸: ۱۰۰). ارامنه مانند مسیحیان دیگر، همه یکشنبه‌ها تعمید را انجام می‌دهند و تنها مخصوص روزهای کارم نیست. موقعی که نماز کوچک خوانده می‌شود، انجیل را همراه دارند و «کردوا» تنها چیزی است که همه با صدای بلند می‌خوانند. روز پنجشنبه مقدس نیز هرکس مایل به تعمید باشد می‌تواند انجام بدهد، ولی پیش ارامنه معمول است که تا اولین شنبه بعد منتظر می‌شوند و بلافاصله پس از غروب آفتاب به کلیسا می‌روند و آن روز را هیچگونه مواد حیوانی از قبیل گوشت، چربی، کره، تخم مرغ و پنیر نمی‌خورند. روز عید پاک که «مس^۲» کوچک خوانده می‌شود باز همه‌شان تعمید می‌کنند، ولی برخلاف کاتولیک‌ها، ارامنه در آن روز گوشت و مواد حیوانی می‌خورند (جملی کاری، ۱۳۴۸: ۱۰۲).

1. Credo

2. Messe

مباحث فقهی

بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت مسلمان قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای ارامنی خود بوده است. شاهان قاجار در فرامینی در باب مبحث ارث بردن فرد ارامنی که از آیین مسیحیت به آیین اسلام مشرف شود نیز صادر کرده بودند، به طوری که طبق فرمان ملوکانه هرکس از ارامنه که به اسلام مشرف می‌شود، در ارث چون مسلمین می‌باشد. «حکم والاشد آنکه چون هر یک از ارامنه رعایای دولت علیه که بدین شریف اسلام مشرف می‌شوند و بعد از اسلام هر یک از اقوام و اقاربی که در دین حضرت مسیح علیه السلام دارند چون وفات یابند کل مخلفات و متروکات متوف را انشخص جدیدالاسلام متصرف می‌شود. به حسب ارث و سایر اقارب و وراث دیگر آن متوفا بدون بهره و ارث می‌نمایند؛ اگرچه این معنی را شرعاً نقیص نیست، بنابر بر قانون رعیت پروری چون انجماعت تابع دین شریفه اسلام هستند رعایت و جانب‌داری آنها بر عامه اهل اسلام خاصه بر نواب اشرف مالازم است که درب عدالت و انصاف بر چهره احوال عامه ارامنه رعایای این دولت مفتوح فرماییم. از این رو، امر و مقرر می‌شود که هر یک از آن جماعه که به شرف دین اسلام رسیده‌اند در ارث چون سایر مسلمین باشند از اقوام و اقارب اموات خود به هر طریق که اهل اسلام را بهره و ارث می‌رسد، جدیدالاسلام نیز از اقارب اموات در دین عیسوی که دارد، مستحق ارث و بهره بوده باشد؛ چنانچه پسری به شرف اسلام مشرف گردیده باشد و پدر او در دین مسیحی وفات کرده باشد و او را دختری مسیحیه بوده باشند، پسر مسلم از مال پدر متوفای مسیحی بهره و ارث می‌برد دو ثلث و یک ثلث دیگر مخصوصه بحق ارثیه آن دختر مسیحیه برقرار و تقسیم شود و از این قرار است حکم در سایر وراث جدیدالاسلام ارامنه و من بعد هذا از قرار این رقم مبارک شیم معمول دارند و تخلف و انحراف از مدلول امر نواب والا نورزند و در عهده شناسند» (ماتناداران، سند ۱: ۸۶).

آزادی مذهبی

صفویه مؤسس و موجد دولت ملی و وحدت و استقلال قومی ایران به شمار می‌روند و این وحدت و استقلال را بر اساس مذهب شیعه نهاده‌اند. سلسله صفویه در دوره‌ای در ایران ظهور کرد که دولت عثمانی در اوج قدرت خود قرار داشت و قلمرو عثمانی‌ها در غرب ایران به طور فزاینده‌ای در حال گسترش بود. تجاوز ازبکان به خراسان، ایران را با خطر تجزیه و تقسیم آن بین ترکان عثمانی و ازبکان مواجه ساخته بود. صفویه، تحت لوای مذهب شیعه، این خطر را از بین بردند و استقلال و وحدت ایران را واقعیت بخشیدند. اهتمام شدید نخستین شاهان صفوی در گسترش مذهب شیعه بر ایرانیان، باعث دشمنی شدید اهل تسنن با دولت صفوی بود که بارزترین اثر آن جنگ‌های ایران و عثمانی است که تقریباً در سراسر دوره سلطنت صفویه ادامه داشت (قدیانی، ۱۳۸۷: ۵۴۸). ایران سرزمین ادیان و آیین‌های بزرگ است و نگرش توحیدی اسلام امکان استمرار حیات پیروان ادیان آسمانی دیگر را در ایران ممکن کرده است و رفتار ناپسند با پیروان ادیان دیگر در اخلاق و قوانین اسلامی مورد توجه و نکوهش قرار گرفته است. برخوردهای ناشایست ریشه در کج‌فهمی از اسلام و تعصبات بی‌پایه و سیاست‌های غلط داخلی و دخالت‌های بیگانگان داشته است. شاه‌عباس هنگام بنای شهر جلفا ضمن فرمانی که در آن حقوقی به ارامنه قائل شده بود، تصریح کرده بود که هیچ ملت دیگری غیر از ارامنه مجاز به احداث کلیسا در جلفا نخواهد بود (جملی‌کاری، ۱۳۴۸: ۷۰). شاه سلطان حسین صفوی در فرمانی دیگری اعلام کرد که کسی مزاحم عیسویان نشود «مشروط بر آنکه مرتکب امری که خلاف مذهب و طریقه اثنا عشری باشد، نگردند» (نوایی، ۱۰۰-۱۰۳). نکته‌ای که درباره شاه سلطان حسین اهمیت دارد، آن است که وی به مسلمان کردن زردشتیان سخت علاقه‌مند بوده و از این جهت، روش او مقبول ارامنه نبوده است. درهوهانیان پس از شرحی از فعالیت هوانس معروف به نور جهان می‌نویسد: پس از مرگ شاه سلیمان، جانشین او شاه سلطان حسین در نظر داشت تمام اتباع غیرمسلمان ایران را به مذهب اسلام درآورد. همانطور که زردشتیان همسایه جلفا را به دین محمدی درآورد؛ اما تا خواست همان حکم را در مورد ارمینیان به کار بندد، این خلیفه

هوانس حریف شد و با کلام روشن‌گرانه به تبلیغ مسیحیت در برابر شاه سلطان حسین ایستاد و باعث شد تا شاه را از خیال خود منصرف کند. روایتی هست که چون ملایان بزرگ درباره مذهب بحث می‌کردند و از جواب خلیفه هوانس عاجز ماندند، به ناسزا گفتن پرداختند که خلیفه هوانس برای لال کردن آنها دعایی خواند که بلافاصله لال شدند؛ از این منظره ترس در دل پادشاه و وزیران افتاد! و از خیال برگرداندن ارمنیان از دین خودشان منصرف شدند. وی انجیل متی، مرقوس، توما و یوحنا را به فارسی ترجمه کرد (نوایی، ۴۸۷). همان مؤلف با اشاره به نفوذ روحانیون در شاه سلطان حسین می‌نویسد: «ملایان به جای آنکه در اداره ملک و ملت از طریق شور و صلاح خود یاور شاه باشند، از او غلام دین و مذهب ساختند. بنا بر تکرار مدام ملایان، شاه تصمیم گرفت ارمنیان و پیروان ادیان دیگر را که در قلمرو حکومت او می‌زیستند، به دین اسلام درآورد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۸۴). یکی از نمونه‌های مهم در ادبیات ضد مسیحی دوره شاه سلطان حسین، ماجرای مسلمان شدن پدر آنتونیو دوژزو، کشیش پرتغالی است که افزون بر مسلمان شدن، چند کتاب در رد بر مسیحیت تألیف کرد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۸۶). با اینکه پیروان مذهب اسلام در ایران اکثریت تام دارند، کشوری در مشرق‌زمین را نمی‌توان یافت که به اندازه ایران اتباع مسیحی از قبیل نسطوری‌ها و ارمنی‌ها داشته باشد. قبول این واقعیت بسیار آسان است، زیرا در تمام مدت یک قرن که جنگ‌های داخلی سبب ویرانی ایران گردید هرگز به این قوم اجازه حمل اسلحه داده نشد و از این رو در حالی که مسلمان‌ها یکدیگر را نابود می‌کردند، تعداد آنها به نسبت بسیار زیادی رو به افزایش گذاشت. از طرف دیگر موقعی که ارمنستان از ایران منتزع گردید تقریباً همه ساکنین آنجا ترجیح دادند که به جای ترک‌ها در زیر یوغ ایرانی‌ها بمانند و در نتیجه دسته‌جمعی به ایران مهاجرت کردند و در نقاط مختلف این کشور پراکنده شدند. ایرانی‌ها آنها را به گرمی پذیرا گردیدند و در اندک زمانی بیشترشان ثروتمند شدند و استغنا مالی یافتند. از آنجا که ارامنه عموماً به حرفه سربازی تمایل زیادی ندارند هرگز سلاح به دست نمی‌گیرند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۵). حسن نیت و صداقت خلیفه نسبت به شاه مهر در دریای خسروی عباس حکم والا شد آنکه عالیجاه ارادت و صداقت آگاه مجدت و نجدت همراه اسوه الاخیار والاساقفه

زبده الاکابر و القسیسین خلیفه داود مهراسیا بعنایات خاطر والا مبهایی و معزز بوده بدانند که عریضه انعالیجاه رسید و مضامین آن از فاتحه تا خاتمه مکشوف و معلوم کردید حسن نیت و صداقت آنعالیجاه نیز کماهو حقه معلوم شد و جواب عرایض و مطالب و مستدعیات انعالیجاه مشافهه بانشان کویا که القا شده است که بعد از ورود حالی انعالیجاه خواهد نمود. الطاف خاطر والا را درباره خود کامل دانسته مستدعیاتی که دارد عرض نماید و مقرون بانجاح داند و در عهده شناسد (ماتناداران، سند ۱: ۲۱).

اچمیادزین در جایگاه یک نهاد دینی مسیحیت یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارامنه بود. بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت مسلمان قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی خود به ویژه ارامنه بوده است. به طوری که در باب عدم اجبار ارامنه به تغییر کیش ارامنه به اسلام توسط مسلمانان و عدم تعرض به آیین و مناسک مذهبی آنها فرامین مهمی صادر کردند. «انشالله تعالی الملک الله حکم همایون شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و مناعت انتباه عزت و اقبال پناه اخلاص و ارادت آگاه عمده الاعاظم المسیحیه و زبده الاکابر العیسویه خلیفه الخلفائی خلیفه داود خلیفه اوجاق اوج کلیسا به توجهات خاطر مرحمت آیات پادشاهی مستظهر و مبهایی بوده بدانند چنانچه از جماعت مسلمانان کسی ادعایی داشته باشد بدون فرمان جهان مطاع ادعا ننماید و ارامنه را جماعت مسلمان مأذون و مرخص نیست که جبراً و قهراً بدائر اسلام بیاورند مقرر آنکه عالیجهان رفیع جایگاهان شهامت و بسالت انتباهان دولت و اقبال پناهان اخلاص و ارادت آگاهان امیر الامرا العظام بیگلربیگی چخور سعد و سایر بیگلربیگیان و حکام و عالیشانان معلی مکانان ضابطان و عمال خجسته اعمال ولایات محروسه سلطانی حسب المقرر معمول و مرتب داشته از مدلول حکم محکم پادشاهی تخلف و انحراف نوزند از قراری که مقرر شده هر یک معمول و تجاوز را مورد سیاست دست خط پادشاهی دانسته احترام عالیجاه مشارالیه از همگی منظور دارند و از فرموده عدول نوززیده در عهده شناسند» (ماتناداران، سند ۱: ۸).

شوهر دادن دختران صغیر در میان ارامنه از ترس آنکه نزدیکان شاه آنها را ربوده و برای حرمسرا

ببرند متداول بود. «ارامنه گاهی دختران صغیر خود را نیز از ترس اینکه مبادا کسان شاه آنها را برای حرم بریابند، به شوهر می‌دهند. در این موارد مادرهای پسر و دختر به عقد عروسی رضا می‌دهند و مراسمی برگزار می‌کنند، بدین ترتیب که پس از حصول توافق، مادر پسر با دو زن مسن و یک کشیش به منزل دختر می‌روند و از طرف پسر حلقه‌ای انگشتری در انگشت دختر می‌کنند گاهی پسر را نیز همراه می‌برند. کشیش آن دو را تقدیس و صیغه عقد جاری می‌کند. تشریفات و سور کوچکی نیز ترتیب می‌یابد که شراب زیاد در آن مصرف می‌شود» (کارردی، ۱۳۴۸: ۱۰۶). دولت قاجار همواره برای حمایت از ارامنه ساکن در قلمرو خود احترام زیادی قائل بود و به تمامی حکام ولایات و نواحی فرمان داده بود که احدی از ارامنه را جبراً قهراً به شرف اسلام مشرف ن سازند. صدور چنین فرامینی زمینه همزیستی دو مردم مسلمان و مسیحی ساکن در قلمرو ایران را بیشتر فراهم می‌کرد. «حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و مناعت اکتناه مجدت و اقبال پناه اخلاص و ارادت همراه عمده الاعاظم المسیحیه و زبده الافاخم العیسویه خلیفه الخلفا داود خلیفه اوجاق اوج کلیسا بتوجهات خاطر مرحمت تبینات والا معزز و مباهی بوده بداند که چون حسب فرمان قضا جریان همایون پادشاهی امر و مقرر است چنانچه از اهل اسلام احدی ادعایی داشته باشد، بدون حکم جهان مطاع پادشاهی قطع دعای خود را نمایند و احدی از ارامنه را جبراً قهراً به شرف اسلام مشرف ن سازند که حسب الواقع امور متعلقه به خود را مضبوط و منتظم ساخته نوعی در امور محوله به خود مستقل باشد که احدی از آنها نتواند پیرامون امور خلافت ملت مسیحیه گردد بناء علی تلک المراتب حکم رفیع منیع والا تخلف و تجاوز جایز ندارد» (ماتناداران، سند ۱۰۱۳).

آزادی در اجرای مراسم و مناسک مذهبی

ارامنه در ایران برای اجرای مراسم‌های مذهبی خود همواره از سوی شاهان وقت دارای آزادی‌هایی بودند. به طوری که با توجه به کارکردهای اقتصادی، بازرگانی و وفاداری که نسبت به آب و خاکی که در آن رشد و زندگی می‌کردند، این امر توجه دوچندان حکومت‌های وقت را برای اعطای آزادی برای اجرای مناسک را به آنها می‌داد. «در ایران صدر پیشوای

روحانی کل کشور است و رئیس کل موقوفات هم اوست. شاه با شیخ الاسلام که یکی دیگر از حکام روحانی است و صدور برخی احکام و فتاوی مذهبی با اوست همواره سرگران بود و به او اعتنا نمی فرمود. یک بار هم مصمم به کشتنش شد، زیرا برخی پیروانش بر زبان آورده بودند که باید شاه را از میان برداشت و یکی از پسران شیخ الاسلام را که برخلاف شاه به تقویت دین سعی است به سلطنت نشانده؛ اما شیخ الاسلام، به امید نجات از مرگ، پیش از اجرای فرمان شاه، همراه با پسرانش به درگاه آمد و با عذرخواهی درخواست بخشش کرد. شاه که به طبیعت خود بخشنده و پذیرای پوزش بود، او را از مجازات معاف کرد. همچنین، پیش نمازی که پیوسته مردم ساده دل و زودباور را به دشمنی و رفتار نامناسب با مسیحیان تحریک می کرد، تبعید شد. صدراعظمی که به گاه طفلی شاه عباس ثانی اداره مملکت را بر عهده داشت نسبت به عیسویان کینه و نفرت زاید الوصف داشت و چون شاه بالید نیرنگ ها به کار برد مگر وی را موافق کند که مسیحیان نیز مانند یهودیان بر جامه خود پارچه غیر هم رنگ بدوزند تا از مسلمانان بازشناخته شوند؛ اما پادشاه که در عنفوان جوانی خرد پیران داشت سخن نادرست و غرض آلود وی را به سمع رضا اصغا نفرمود و جمعی بر آنند که لجاجت و اصرار صدراعظم در این کار مایه عزلش شد. پس از اینکه شاه بزرگ تر و نیرومندتر شد، عیسویان را در اجرای مراسم دینی و به جا آوردن آداب و رسوم قومی خود کاملاً آزاد گذاشت» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۶۵۴). حمایت از ارامنه از دوران صفویه در جهت اجرای مراسم مذهبی بود و شاهان صفویه نسبت به این امر توجه خاصی داشتند؛ چراکه ارامنه باعث رونق بخشیدن به کار بازرگانی و آبادانی کشور بودند. «از روی دیگر همواره به بزرگان دربار خود می گفت: اگر ارامنه را که همواره به رونق بخشیدن به کار بازرگانی و آبادانی کشور می کوشند برنجانیم و بر آنان تنگ و سخت بگیریم خلاف عدل و انصاف و رضای خداست. باید آنان را در پناه حمایت خویش درآوریم و مانع آسودگی و آزادی شان نشویم. از این رو، ارامنه از فقدان چنان حامی خیرخواه و روشندل سخت غمگین و شکسته دل شدند؛ زیرا یقین داشتند از این پس چنان شهریاری روشن اندیش و مقتدر که با عزم درست به جانبداری آنان قیام کند، وجود ندارد و اگر پادشاه نو همانند پدر فقیدش

خواهان نکوداشت ارامنه باشد چون تجربه و کفایت و شهامتش را ندارد، بی‌گمان نمی‌تواند در برابر فتنه‌گری‌ها و تهدیدهای روحانی نمایان بدباطن اظهار وجود و پایداری کند. افزون بر این وی به منظور حسن جریان امور به تفنگدارباشی عنایت و محبت بیشتر داشت و این مرد بدسرشت نه تنها خود قویاً بدخواه ارامنه بود، بلکه چون ناظر در زمان پادشاهی شاه فقید همانند مخدوم‌مش به این گروه محبت می‌ورزید مورد عناد و نفرت تفنگ‌دارباشی بود» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۶۵۵). در فرامین دولت قاجار تأکید شده بود که درباره مراسم‌های مذهبی ارامنه که شامل ناقوس کشیدن، تخته زدن، بانگ گفتن و مرده برداشتن کسی از اهل اسلام مانع و متعرض آنها نشوند که به قانون مذهبی خود امور را انجام دهند. «حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و مناعت اکتناه مجددت و اقبال پناه اخلاص و ارادت همراه عمده الاعاظم المسیحیه و زبده الافاخم العیسویه خلیفه الخلفا داود خلیفه اوجاق اوج کلیسا بتوجهات خاطر مرحمت تبینات والا معزز و مباهی بوده، بدانند که چون حسب فرمان قضا جریان همایون پادشاهی امر و مقرر است چنانچه از اهل اسلام احدی ادعایی داشته باشد بدون حکم جهان مطاع پادشاهی قطع دعاوی خود را ننمایند. هرکس از مسلمانان و ارباب ذمه که در دهات و مزارع اوجاق مذکور کشت و زرع مالکانه حسابی در وجه انعالیجاه مهم سازی نمایند و در اوجاق مذکور و مزارع مسکونه ارامنه به طریق سابق در باب ناقوس کشیدن و تخته زدن و بانک گفتن و مرده برداشتن کسی از اهل اسلام مانع و متعرض آنها نشود که به قانون خود امور مزبوره را به تقدیم رسانند و در املاک و مزارع و باغات ابتیاعی و موقوفه اوجاق مزبور بدون اذن انعالیجاه کسی دخل و تصرف ننماید که حسب الواقع امور متعلقه به خود را مضبوط و منتظم ساخته نوعی در امور محوله به خود مستقل باشد که احدی از آنها نتواند پیرامون امور خلافت ملت مسیحیه گردد بناء علی تلک المراتب حکم رفیع منیع والا بنفاذ اقتران می‌یابد که در هر باب حسب الامر الاشراف الاعلی معمول داشته تخلف و تجاوز جایز ندارد» (ماتناداران، سند ۱: ۱۳). حمایت دولت قاجار از اجرای مراسم مذهبی ارامنه به گونه‌ای بود که برای آنها استثنائاتی را قائل می‌شد. «به مناسبت مراسم مذهبی ارامنه که همه‌ساله در سوگواری و تعزیت قتل

حضرت مسیح برگزار می‌شد متولیان نمازخانه‌های ارامنه تهران، از حکومت نظامی تهران خواستند، از آنجا که ارامنه بایستی در شب جمعه ۱۳۰۰/۲/۹ سه ساعت از شب گذشته تا نزدیک صبح به «نمازخانه» رفته و رسوم مذهبی خود را به جا آورند، مأمورین حکومت نظامی در آن شب از آمد و رفت ارامنه ممانعت نکنند تا ارامنه بتوانند آزادانه در آن شب به «نمازخانه‌های» دروازه قزوین و دروازه شاه عبدالعظیم رفته، رسوم مذهبی خود را به جا آورند. متولیان نمازخانه‌های ارامنه تهران همچنین از حکومت نظامی تهران خواستند به آنان اجازه داده شود در این خصوص اعلانی را به زبان ارمنی منتشر نمایند» (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۱). در سفرنامه آدام الثاریوس در شرح اقامت در شماخی، درباره مشاهداتی که در آنجا داشته و در بیان چند جشن ارامنه به حمایت حکام محلی از برگزاری آیین طبق رسوم مسیحی را به نگارش درآورده است. «پنجم ژانویه از طرف خان به سفرا اطلاع داده شد که صبح روز بعد ارامنه جشنی به نام خاج شوران^۱ برپا می‌کنند که عبارت است از غسل دادن صلیب در آب. این جشن در خارج شهر و کنار پل آمبری^۲ که بر روی رودخانه زده شده است برگزار می‌شود و خان شخصاً مایل است که در این مراسم شرکت کند و چنانچه فرستادگان نیز خواسته باشند که این مراسم را تماشا کنند برای آنان جای مناسبی در نظر گرفته شود. ارامنه نیز مانند روس‌ها مراسم کریسمس را روز ششم و صبح زود با اجرای مراسم مذهبی و وعظ و خطابه آغاز می‌کنند. سفرا که محل اقامتشان نزدیک دیر بود با چند تن دیگر به آنجا رفتند تا مراسم مذهبی و نیایش ارامنه را که شبیه کاتولیک‌های رومن^۳ بود از نزدیک مشاهده کنند. حدود ظهر به دستور خان، ارامنه پانزده رأس اسب آورده بودند تا ما را با خود به طرف رودخانه‌ای که حدود نیم مایل از شهر دور بود ببرند. تعداد زیادی ارمنی از دهات و اطراف جمع شده بودند و با تصاویر بسیار، صلیب و پرچم ضمن اجرای مراسم مذهبی دیدنی در حالی که سرود می‌خواندند و زنگ می‌زدند از شهر بیرون رفتند

۱. Chatsche Shuran - خارج شوینان - عید کلیسا در ششم ژانویه برگزار می‌شود و عید اول سال ارامنه و پیروان

ارتدکس در بیست و چهارم دی‌ماه - فرهنگ عمید - م.

۲. Puli Amberi - شاید پل عنبری باشد. Amber در زبان آلمانی معنای عنبر می‌دهد - م.

۳. Roman Katholik - کاتولیک‌های پیر و پاپ در رم - م.

و به طرف رودخانه حرکت کردند. این عده وسیله تعداد زیادی از سربازان خان همراهی می‌شدند تا در امان باشند» (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۶۴). حکام محلی زمینه‌ای برای ارامنه فراهم کرده بودند که بتوانند در اجرای مراسم مذهبی آزادی عمل داشته باشند و طبق تقویم مذهبی خودشان به اجرای مناسک خود بپردازند. «برای زن‌هایی که نزدیکی‌های عید نوئل وضع حمل می‌کنند ناراحتی بزرگی تولید می‌شود، زیرا غسل تعمید بچه به روز عید موکول می‌گردد و همچنانکه می‌دانیم ارامنه هنوز تقویم قدیم مسیحی را به کار می‌برند و عید نوئل را ده روز بعد از نوئل ما می‌گیرند. مراسم روز عید نوئل آنها جالب است، روی زاینده‌رود چوب‌بستی درست می‌کنند و با فرش‌های متعدد آن را می‌پوشانند و به صورت کلیسای کوچکی درمی‌آورند. روز نوئل، قبل از طلوع آفتاب، همه کشیش‌ها و کارکنان کلیسا و ارامنه اطراف اصفهان، با لباس فاخر و نو و پرچم‌ها و صلیب‌ها در آنجا گرد می‌آیند» (جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۰۵). ارامنه با وجود مشکلاتی که گاهی برایشان از طرف متعصبین ایجاد می‌شد، ولی تمام سنن باستانی و مذهب مسیحیت خود را حفظ می‌کردند. «ارامنه با تعصب تمام سنن باستانی و مذهب مسیحیت خود را حفظ می‌کنند. آنها طبق قانون صفویه کسانی که به دین اسلام می‌گروند تمام دار و ندار پدر و خانواده‌اش به وی تعلق می‌گیرد و پدر و مادر مجبورند به طور دلخواه وی زندگی کنند» (جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۰۸).

اختیارات اعطایی دولت قاجار به خلیفه اچمیادزین

شاهان قاجار با توجه به قوانین داخلی ارامنه مقرر کرده بودند تا سلسله‌مراتب داخلی در زمینه تعیین بزرگ و کوچک، نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص خلیفه باشد و تعیین مراتب در میان ارامنه فقط بر عهده خلیفه اوج کلیسا باشد و تمامی ارامنه و حکام محلی، تابع این امر ملوکانه باشند. طبق فرمانی حق تعیین بزرگ و کوچک و نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص و تعیین خلیفه اوج کلیسا است. «حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه فراست و کیاست پناه صداقت و ارادت آگاه فخامت و مناعت اکتناه عمده الخلفا الکرام المسیحیه خلیفه اپرم بوفور الطاف و اعطاف خاطر

مرحمت اتصاف افتخار و اعتبار حاصل نموده بدانند که عریضه ارادت فریضه آنعالیجاه ملحوظ نظر اصابت اثر و مراتب صداقت و ارادت آنعالیجاه بر رأی مهر ضیاء ظاهر و هویدا گردید اینکه عرض کرده بود که فی مابین ملت نصاری تعیین بزرگ و کوچک و نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه باشد و بزرگان و نجبا را فی مابین ملت مزبور محترم شمارند محض کمال مرحمت بیغایت درباره آنعالیجاه استدعای آنعالیجاه را مقرون بانجاح فرموده رقم مطاع لازم الاتباع بافتخار عالیجاه امیر الامراء العظام حسین خان سردار و بیگلربیگی ایروان شرف صدور یافت که نجبای ملت مزبور را موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه داند و قدغن لازمه نماید که هر که را آنعالیجاه محترم می شمارد حرمت او را لازم شمرند همواره الطاف خاطر خطیر مرحمت تخمیر را درباره خود به سرحد کمال دانسته مطالب و مستدعیات خود را عرض و بعضی انجاح مقرون داند و در عهده شناسند» (ماتناداران، سند ۱: ۳۶). از اختیارات دیگری که به خلیفه اوج کلیسا طبق فرمان صادره از سوی دولت قاجار با این مضمون داده شده بود که فی مابین ملت نصاری در ولایات آذربایجان بزرگ و کوچک ملت مزبور به تشخیص و تعیین خلیفه است. «حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و نجدت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه شهامت و بسالت انتباه اخلاص و ارادت آگاه امیر الامراء العظام مخلص صداقت فرجام حسین خان سردار و بیگلربیگی ایروان به عنایت بیغایت خاطر خطیر مرحمت مدار والا امیدوار بوده بدانند که شروحو که در باب اوج کلیسا به کار گذاران سرکار اظهار نموده بود ملحوظ نظر اصابت اثر و مضامین آن بر رأی بیضا ضیاء ظاهر و جلوه گر گردید چون عالیجاه مشارالیه عرض و استدعا کرده است که فی مابین ملت نصاری در ولایات آذربایجان بزرگ و کوچک ملت مزبور به تشخیص و تعیین عالیجاه مزبور موقوف باشد نظر بآن امر قدر شرف نفاذ می یابد که در میان ملت مزبور هر که را عالیجاه مشارالیه بزرگ و نجیب داند و حرمت او را منظور دارد تمامی اهالی ملت مزبور او را نجیب و بزرگ داند و حرمت او را در هر باب مرعی و منظور دارند حسب المقرر معمول دارند و در عهده شناسند» (ماتناداران، سند ۱: ۴۱).

دولت قاجار حوزه اختیارات خلیفه اوچ کلیسا را مشخص کرده بود. این تفویض اختیار در موضوع تنبیه و تأدیب در واقع اهمیت خلیفه و جایگاه او را در نگاه دولت قاجار بیان می‌کند. دولت قاجار طی فرمانی اعلام کرده بود که هرگونه تأدیب و تنبیه او ارامنه تابع اوچ کلیسا با خلیفه می‌باشد و او مختار است طبق قوانین خودشان با آنها رفتار کند. حکم والاشد آنکه چون منظور نظر اجابت اثر والا آن است که ضابطه اوچاق کلیسیا از هر جهه مضبوط و منظم بوده اختلال و اغتشاشی در هیچ امر از امور آنجا صورت ظهور نیاید، از این رو امر و مقرر فرمودیم که خلیفه اوچ کلیسیا هر وقت از اوقات که خلاف حسابی از مه‌راسیایان کلیسیا مشاهده نماید خود در تنبیه و تأدیب و تراشیدن ریش او مرخص و مآذون داند و هرچه موافق قاعده و قانون خود او را سزا داند معمول دارد مقرر آنکه عالیشانان عزت نشانان ارادت توأمان زبده الاعاظم المسیحیه مه‌راسیایان اوچاق اوچ کلیسیا حسب المقرر متد [۱] ول داشته از سخن و صلاح و صوابدید عالیجاه عزت و مناعت همراه فخامت و سعادت انتباه صلیب اویز صدر رأس پرهیزکاری زناز بند میان درستی و خیرخواهی برش افزای تارک صداقت و تقوی شعاری خلیفه الخلفاء المسیحیه عمدہ الکرام العیسویه خلیفه دانیال خلیفه اوچ کلیسا را مطیع و منقاد بوده از تأدیب و تنبیه او محترز باشد و تجاوز و تخلف را موجب مواخذه دانند عالیشانان عزت نشانان حرمت اکتناهان کتاب دفترخانه شرح رقم را ثبت و ضبط و از شایبه تغییر و تبدیل مصون دانند و در عهده شناسند» (ماتناداران، سند ۲۳: ۱). از اختیارات دیگری که حسب فرمان دولت قاجار به خلیفه اوچ کلیسا تفویض گردیده بود، آن بود که مآذون و مرخص تنبیه و تأدیب و عزل و نصب و مواخذه سیاهکلاهان و عمله و خدمه اوچاق اوچ کلیسا با خلیفه باشد. «حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و مناعت اکتناه مجدت و اقبال پناه اخلاص و ارادت همراه عمدہ الاعاظم المسیحیه و زبده الافاخم العیسویه خلیفه الخلفا داود خلیفه اوچاق اوچ کلیسا بتوجهات خاطر مرحمت تبینات والا معزز و مباهی بوده بدانند که چون حسب فرمان قضا جریان همایون پادشاهی امر و مقرر است آنعالیجاه عزت همراه در هر باب و هر موارد مآذون و مرخص تنبیه و تأدیب و عزل و نصب و مواخذه سیاهکلاهان و

عمله و خدمه اوجاق اوج کلیسا است که حسب الواقع امور متعلقه به خود را مضبوط و منتظم ساخته نوعی در امور محوله به خود مستقل باشد که احدی از آنها نتواند پیرامون امور خلافت ملت مسیحیه کردد بناء علی تلک المراتب حکم رفیع منیع والا بنفاد اقتران میابد که در هر باب حسب الامر الاشراف الاعلی معمول داشته تخلف و تجاوز جایز ندارد» (ماتناداران، سند ۱۰۱۳). اگر کسی از مسلمانان در مورد دین و آیین ارامنه مسیحی سخن باشد، می باید نزد آنعالیجاه آمده با آنعالیجاه و علمای ملت مسیح مباحثه نماید. حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه فراست و فطانت پناه ذکاوت و شهامت همراه اخلاص و ارادت اکاه زبده الاکابر المسیحیه عمده الاعاظم العیسویه اپرم خلیفه اوج کلیسا بتوجهات روزافزون ضمیر والا سرفراز بوده بدانند که چون اختیار ارامنه این طرف که در ظل عاطفت شاهنشاهی آسوده اند در کف کفایت ماست و محافظت دین و ناموس آنها بر ما لازم است، از این رو بانعالیجاه امر و مقرر می گردد که ارامنه این حدود را موافق شریعت حضرت عیسی که در دست آنعالیجاه است والی حال بهمان طریق رفتار می کرده اند نگاه داشته آنها را از تصرفات ملت نصاری ممنوع دارد و اگر کسی را در دین و آیین آنها سخن باشد، می باید نزد آنعالیجاه آمده با آنعالیجاه و علمای ملت مسیح مباحثه نماید و جواب خود را بشنود می باید درین باب به نحو مقرر معمول و مرتب دارد و مضمون رقم قضاء شعار را گوش زد خاص و عام ملت عیسوی نماید که از حکم محکم مطلع شوند و امر آنعالیجاه را بالغ باشند باید الطاف خاطر خطیر والا را درباره خود کامل دانسته مطالبی که دارد همیشه به عرض والا رسانند و بانجاح مقرون شمارد و در عهده شناسند (ماتناداران، سند ۱: ۶۸).

نتیجه گیری

اچمیادزین مهم ترین مرکز مذهبی ارامنه، تأثیر مهمی در تحولات مذهبی، سیاسی و اجتماعی ارمنستان داشت. تأثیر اچمیادزین به خصوص در دوره قاجار قابل تأمل است. دولت شیعی قاجار برای آنکه ایروان و به ویژه کلیسای اچمیادزین به روس ها نزدیک نگردد، به تحکیم روابط با آنها برآمد تا از طریق جلب نظر رهبران، از نزدیکی روابط آنها با روس ها

جلوگیری کند. اچمیادزین در جایگاه یک نهاد دینی مسیحیت، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارامنه بود. ارامنه در ایران برای اجرای مراسم‌های مذهبی خود همواره از سوی شاهان وقت دارای آزادی‌هایی بودند؛ به طوری که با توجه به کارکردهای اقتصادی، بازرگانی و وفاداری که نسبت به آب و خاکی که در آن رشد و زندگی می‌کردند، این امر توجه دوچندان حکومت‌های وقت را برای اعطای آزادی برای اجرای مناسک را به آنها می‌داد. دولت قاجار حوزه اختیارات خلیفه اچمیادزین را مشخص کرده بود. این تفویض اختیار در موضوع تنبیه و تأدیب در واقع اهمیت خلیفه و جایگاه او را در نگاه دولت قاجار بیان می‌کند. دولت قاجار طی فرمانی اعلام کرده بود که هرگونه تأدیب و تنبیه او ارامنه تابع اچمیادزین با خلیفه می‌باشد و او مختار است طبق قوانین خودشان با آنها رفتار کند. شاهان قاجار با توجه به قوانین داخلی ارامنه مقرر کرده بودند تا سلسله مراتب داخلی در زمینه تعیین بزرگ و کوچک، نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص خلیفه باشد و تعیین مراتب در میان ارامنه فقط بر عهده خلیفه اچمیادزین باشد. بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت مسلمان شیعی قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی خود به ویژه ارامنه بوده است؛ به طوری که در باب عدم اجبار ارامنه به تغییر کیش ارامنه به اسلام توسط مسلمانان و عدم تعرض به آیین و مناسک مذهبی آنها فرامین مهمی صادر کردند.

فهرست منابع

۱. تکتاندرفون در یابل، گئورگ. (۱۳۵۱). ایتراپرسیکوم: گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲. دروویل، گاسپار. (۱۳۷۰). سفر در ایران. تهران: شباویز.
۳. نوری، محمدتقی بن محمد مهدی. (۱۳۸۶). اشرف التواریخ. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۴. اولئاریوس، آدام. (۱۳۶۳). سفرنامه آدام الئاریوس. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
۵. جملی کارری، جووانی فرانچسکو. (۱۳۴۸). سفرنامه کارری. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۶. اورسول، ارنست. (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. فوریه، ژوانس. (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری. تهران: نشر علم.
۸. فراهانی، حسن. (۱۳۸۵). روزشمار تاریخ معاصر ایران. جلد ۳. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۹. قدیانی، عباس. (۱۳۸۷). فرهنگ جامع تاریخ ایران. جلد ۲. تهران: آرون.
۱۰. نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۰). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱. جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. جلد ۳. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۲. خاوری شیرازی، فضل‌الدین عبدالنبی. (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. ماتناداران (آرشیو اسناد مجموعه ماشتوس مقدس ارمنستان): ۱۳/۱، ۲۳/۱، ۴۱/۱، ۳۶/۱، ۶۸/۱، ۲۱/۱، ۸۶/۱، ۸۷/۱